

کرامت انسانی مبنای انسان شناختی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

محسن اصغری

دانش‌آموخته حوزه علمیه قم

پژوهشگر حوزوی

چکیده:

مسئله این پژوهش بررسی رابطه کرامت انسانی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. رهاورد پژوهش نیز این است که توجه به کرامت انسانی از عناصر ماهوی الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت می‌باشد. در پیشرفت مطلوب لحاظ ساحت‌های مادی و معنوی، استعداد‌های فطری، طبیعی و غریزی انسان بایسته است و غفلت از ساحت‌های فوق آثار زیان‌باری مانند از خود بیگانگی انسان، انحطاط اخلاقی، تحقیر و اسارت ملت‌های عقب‌نگه داشته شده، تخریب محیط زیست، شکاف طبقاتی و نامنی بین‌المللی را داشته است در الگوی پیشرفت، رفاه مبتنی بر مناسبات اراده آزاد انسانی برساخته بر کرامت انسانی مطلوب و مشروع است و تنظیم مناسبات کریمانه فقط با استعانت از عقل و وحی انسان شناس میسر است. در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی ثروت، قدرت، لذت جنبه ابزاری داشته هدف غایی کمال حقیقی انسان است و ایران به عنوان ظرف این پیشرفت و الگوی پیشرفت اسلامی مظلوف آن و ویژگی‌های ایرانی مانند غیرت دینی، خردورزی، حق‌طلبی، انسجام ملی، منابع طبیعی و انسانی مستعد و موقعیت استراتژیکی جهانی، منطقه‌ای بستر پیشرفت بوده و مؤلفه‌های آن خرد محوری، اخلاق‌محوری، عدالت‌محوری، استکبار ستیزی و امنیت محوری در حوزه ملی و بین‌المللی و شاخص‌های این الگو را می‌توان در التزام عملی به احکام دینی در نهاد فقاقت، نهاد خانواده، قداست جهاد و شهادت، استقرار حاکمیت دینی، صلح‌گرایی، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، تکریم عقل و حکمت و تفسیر صحیح از زهد و دنیا در حوزه‌های سیاسی اجتماعی فرهنگی و بین‌المللی بر شمرد.

واژگان کلیدی: پیشرفت، توسعه، اسلامی، ایرانی، تمدن، الگو، کرامت، عزت.

مقدمه

پژوهش حاضر در صدد بررسی و ارزیابی مبانی نظری و ارایه الگوهای عملی پیشرفت اسلامی ایرانی بر مبنای انسان شناختی و کرامت انسانی می‌باشد. مدعی ما در این نوشته این است: هر چند پیشرفت و توسعه امروزه به عنوان یک دست آورد بشری مبنای دسته‌بندی ملت‌ها و مشروعیت ارزش‌گذاری و دخالت در حوزه بین‌المللی گشته است، اما آیا الگوهای پیشرفت موجود وارداتی مطلوب و مشروع هستند؟ در صورتی که پاسخ منفی است آیا امکان تدوین الگوی پیشرفت اسلامی ایران وجود دارد؟

آیا ایرانی بودن ظرفیت تدوین الگوی تمدنی و فراملی را دارد و آیا ملیت ایرانی با اسلامی بودن سازگار است؟

فرضیه مقاله امکان‌سنجی و ضرورت ارائه الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی مبتنی بر کرامت انسانی است.

کرامت انسانی
مبنای انسان‌شناختی
الگوی ایرانی-اسلامی پیشرفت

۱. ضرورت طرح الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت بر مبنای کرامت انسانی

توسعه به عنوان یک فرایند تحول باید در خدمت انسان و ابزاری جهت شکوفایی انسان باشد برای نقد و ارزیابی ماهیت پیشرفت در ادبیات سیاسی جهان و بررسی الگوی پیشرفت در دنیای معاصر توجه به کرامت انسانی به عنوان یک معیار ارزیابی عقلانی و مشروع بایسته است. از منظر اندیشمندان اسلامی الگوی پیشرفت غربی، یک الگوی ناموفق است. دنیای نوین با بحران معرفت، بحران معنویت، بحران امنیت روانی، بحران هویت، بحران امنیت بین‌المللی و زیست محیطی مواجه است. امروزه طمأنینه و آرامش روحی از انسان سلب شده و آینده در پیش روی او تیره جلوه می‌کند. اصالت لذت، بحران اخلاقی را برای بشر به ارمغان آورده است. نابودی ارزش‌ها و فروپاشی نهاد خانواده، دوری از معنویت، فساد، محصول الگوی پیشرفت غربی است. مناسبات مبتنی بر حقانیت قدرت، امنیت حقوقی را از میان برده است، ملت‌های ضعیف در برابر ابر قدرت‌ها و دولت‌ها و ضعیفان در چنگال قدرتمندان گرفتار آمده، امنیت و آسایش خود را از کف داده‌اند. این همان پیشرفت و توسعه‌ای است که توانسته است

گروه‌های معدود و انگشت‌شماری از خانواده‌های ثروت را به ثروت برساند؛ اما ملت‌های دیگر را دچار اسارت، تحقیر و استعمار کرده است (اختر شهر، ۱۳۸۶).

۲. پیشرفت چیست؟

پیشرفت، تحول بلند مدت و همه جانبه ساختاری و کیفی درون یک نظام اجتماعی است که نیازهای رو به گسترش جامعه را با روش عقلانی تا حدی که امکان دارد تامین نماید (همان). پیشرفت مطلوب و مشروع برخوردار از پایداری و روز افزون بشری از مکنت و معیشت قرین با عزت و کرامت و برقراری مناسبات آزاد و شرافتمندانه ای برخاسته از اداره و انگیزه های انسانی است که معیار تنظیم روابط و این مناسبات بر حقوق و حدود الهی استوار استنه صرف رشد اقتصادی و نه گذر از سنت به تجدد نه حتی نوسازی و دگرگونی اجتماعی به عبارت دیگر پیشرفت مطلوب توسعه همه جانبه ی متوازن است نه توسعه‌ای که در آن نگاه به انسان ابزاری بوده و تامین رفاه و لذات یک گروه یا ملتی به قیمت رنج و الم گروهی دیگر حاصل گردد (صادقی رشاد، ۱۳۸۲).

۳. کرامت انسانی مبنای انسان شناختی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

یکی از مبانی انسان‌شناختی در طراحی الگوی پیشرفت لحاظ کرامت انسانی است الگوی اسلامی پیشرفت بر مبانی انسان‌شناختی اسلامی در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی مبتنی می‌باشد. تفاوت در مبانی انسان‌شناختی در چارچوب حقوق و حدود اسلامی موجب تفاوت در تبیین و تحلیل وضعیت موجود جوامع اسلامی و تبیین وضعیت مطلوب و راهبردها می‌باشد. بر این اساس باید پیشرفت را با الگوی اسلامی ایرانی طراحی کرد اسلامی به این معنا که بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. ایرانی است چون این ملت ظرف تحقق بخش این پیشرفت است و چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به دست آورده؛ اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود. این ملت ما بوده است که توانسته است یا می‌تواند این الگو را تهیه و فراهم کند پس الگوی اسلامی ایرانی است. لذا مهندسی مدل پیشرفت اسلامی بر بنیان کرامت انسان در اهداف، ابعاد و راهبردها و راهکارها با پیشرفت غربی تفاوت دارد.

۴. انسان در نگاه اسلام و غرب

انسان در نگاه غربی، یک موجود مادی محض بوده هدف او لذت‌جویی، کامجویی، بهره‌مندی از لذت‌های زندگی دنیاست، لذا محور پیشرفت و توسعه در غرب، انسان سودمحور است. بنابراین مدل مطلوب توسعه باید در راستای تامین اهداف و بعد مادی او طراحی شود. در جهان‌بینی غربی، ثروت، قدرت و علم، اهداف توسعه یک کشور می‌باشند. هر چند انسانها تحقیر بشوند، ملتها تحقیر بشوند، میلیون‌ها انسان در جنگ‌ها لگدمال بشوند و کشته بشوند، برای اینکه کشوری به قدرت یا به ثروت برسد (نمازی، ۱۳۹۱؛ پورمهدی، ۱۳۸۱).

انسان در منطق اسلام موجودی است مرکب از دو بعد مادی و روحی، فطرت و طبیعت که کمال او به رشد هماهنگ و همراه با سلامت این دو بعد است. صفات برین انسانی مانند حقیقت‌طلبی و کمال‌خواهی برآیند فطرت انسان و کشش‌ها و کنش‌های مادی و حیوانی برآیند طبیعت اوست. قرآن برای روح اصالت قائل است، حقیقت و هویت اصلی انسان را مربوط به روح مجرد او می‌داند و بیان می‌دارد آنچه انسان را از حیوانات متمایز ساخته روح الهی است که در او دمیده شده، زیرا این بعد از انسان است که به دلیل انتساب به خداوند به مقام تشریف نائل شد و به یمن آن از حیوان و ملک برتر نشسته و قابلیت جاودانگی دارد (صادقی رشاد، همان).

اسلام حیات مادی انسان و تمتع از سعادت مادی را سعادت و حیات حقیقی نمی‌شمارد بلکه حیات حقیقی او را جامع ماده و ماوراء ماده می‌شمرد، پس انسان باید تحت نظام زیستی و تربیتی در آید که با ذات او سازگار بوده نیازهای فطری و جسمی او را شناخته و توأمان تامین گردد. در جهان‌بینی اسلام، ثروت، قدرت و علم، ابزار و وسیله‌ای برای تعالی انسان می‌باشند. نظام حیاتی مطلوب انسان اسلامی، نظامی بر ساخته بر کرامت ذاتی اوست تا بتواند مبنای تحصیل کرامت و کمالات اکتسابی او قرار گیرد. بهره‌مندی انسان از موهبت عقل و اختیار از سویی و شانیت خلافت الهی بشر از سوی دیگر اقتضا می‌کند انسان در تدبیر حیات فردی و جمعی خود به نحو متناسب و شایسته از عقل و وحی بهره گیرد. از دیدگاه اسلام طرد عقل به معنای انکار انسان و ترک وحی به معنای انکار خدای انسان است. در طراحی و

تدبیر حیات مطلوب انسان تنها راه نهادینه ساختن روابط عادلانه، قانون‌گذاری مناسب و اجرای درست آن است. صد البته در مرتبه قانون‌گذاری هماهنگی قانون با طبیعت و فطرت انسان و مقتضیات زندگی جمعی و تربیتی او لازم است که این از عهده انسان خارج است و نیازمند وحی می‌باشد (رشاد، همان؛ یزدانی مقدم، ۱۳۹۱).

۴.۱. کرامت انسان

انسان به خاطر احراز صفت عقل و اختیار، دارای کرامت است. امام علی (ع) خطاب به فرزندش می‌فرماید: «و اکرم نفسک عن کل دنیه و ان ساقطک الی الرغائب فانک لن تعترض بما تبذل من نفسک عوضاً و لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حراً؛ نفس خود را از هرگونه پستی‌ها بالاتر بدار، اگرچه تو را به آنچه میل داری برساند؛ زیرا تو در برابر آنچه که از اشرف نفس خود از دست می‌دهی عوض نخواهی گرفت و هرگز بنده دیگری مباش، زیرا که خدا تو را آزاد آفریده است».

در حکمرانی نیز با توجه به اصل کرامت به کارگزاران خود فرموده است: «واشعر قلبک الرحمه للرعیه و المحبه لهم و اللطف بهم و لا تکون علیهم سبعا ضاریا تغتم اکلهم، فإنهم صنفان أما أخ لک فی الدین أو نظیر لک فی الخلق؛ (ای مالک!) رحمت و محبت و لطف بر مردم جامعه را به قلبت بفهمان (به‌طوری که آن را دریافت کند نه اینکه در حد یک تصور ذهنی بماند) برای آنان درنده‌ای خون‌خوار مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری، زیرا مردم بر دو صنف‌اند: یا برادر دینی تو هستند، یا در خلقت هم‌نوع تو می‌باشند» (نهج البلاغه، عهدنامه مالک اشتر).

۴.۲. انواع کرامت انسانی

در دین مبین اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده است:

الف. کرامت ذاتی: ویژگی و حیثیتی که تمام انسان‌ها به جهت داشتن توانایی‌های عقلی فکری و روح الهی به طور فطری از آن برخوردار هستند. کرامتی که همه انسان‌ها مادامی که خود با اختیار خود به جهت ارتکاب خیانت و خبثات نسبت به خود و دیگران، آن را از خود سلب نکنند.

ب. **کرامت اکتسابی:** این کرامت که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و فعالیت در مسیر رشد و کمال ناشی می‌گردد. این نوع کرامت اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسانی مربوط به این کرامت است.

در تعالیم اسلام به این نوع کرامت نیز پرداخته است و به آدمیان توجه داده است که همه نیروها و استعدادها مثبتی که خدا به انسان‌ها داده، مقتضی کرامت انسانی است؛ اما اگر در موقعیتی قرار گرفت که در صدد هواپرستی و خودکامگی و قدرت‌پرستی و خودهدفی برآید و آن نیروها و استعدادها را در جهت اهداف پلید خود مورد بهره‌برداری قرار دهد، به‌طور حتم و یقین چنین انسانی نه فقط حق کرامت و شرافت و احترام ذاتی ندارد، بلکه به آن جهت که مخل حیات و کرامت و آزادی دیگران است، مجرم می‌باشد و باید برای دفاع از حق کرامت و حق آزادی آنان مؤاخذه و کیفر شود (جعفری، ۱۳۸۵).

۴.۳. کرامت ذاتی انسان

در تعالیم اسلام و آموزه‌های قرآنی از کرامت انسان سخن به میان آمده و آن را همانند خرد و وجدان از موهبت‌های بزرگ الهی می‌داند و می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰).

این آیه، با کمال صراحت اثبات می‌کند که خدای سبحان آدمیان را ذاتاً مورد تکریم قرار داده و آنان را بر بسیاری از آفریده‌ها برتری داده است از نظر قرآن، کرامت فرزندان آدم (ع)، موهبتی الهی است که همزاد و همراه با خلقت جسمانی اوست، زیرا خدای متعال، «نوع انسان» را به‌عنوان کریم معرفی کرد و فرمود: «لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم» یعنی نوع انسان، «کریم» خلق شده است.

انسان مخلوق ویژه‌ای است که با ویژگی‌ها و استعدادهای منحصر به فرد از سایر مخلوقات متمایز گشته است. مقصود از جایگاه و منزلت انسان در نظام هستی تعیین قابلیت‌های مادی و فیزیکی و اقتدار انسان بر سایر حیوانات نیست، بلکه مقصود تعیین منزلت و قضاوت درباره ارزش‌های اخلاقی و معنوی انسان است؛ به این معنا که نوع انسان از چه کمالات بالقوه و بالفعلی برخوردار است؟ آیا در فضایل و کمالات ارزشی و اخلاقی موجود دیگری همسان او یافت

می‌شود؟ آیا انسان به لحاظ خیرات و کمالات به مرتبه‌ای می‌رسد که هیچ رقیبی در میان سایر موجودات نداشته باشد. برخی با پذیرش برتری‌های تکوینی و فیزیکی آدمی نسبت به سایر موجودات این اقتدار وجودی را خود به خود نوعی فضیلت و کرامت محسوب می‌نمایند، هرچند سوء استفاده از آنها قضاوت منفی را در پی دارد. به همین دلیل، افراد انسانی باید این کرامت و حیثیت را برای هم‌دیگر به‌عنوان یک حق بشناسند و خود را ملزم به رعایت آن بدانند و به عبارت دیگر، قرآن در این آیه کرامت و حیثیت ذاتی انسان را به صرف انسان بودنش مورد تأکید قرار داده است. این کرامت ذاتی از آن همه انسان‌هاست و تا وقتی که با اختیار خود با ارتکاب جنایت و خیانت بر خویشان و بر دیگران آن را از خود سلب نکنند، از آن برخوردار خواهند بود و به عبارت دیگر، آدمی به‌گونه حقیقی در ذات خود از لحاظ وجود دارای این اختیار و برجستگی است نه اینکه این کرامت امری اعتباری است که قابل زوال باشد. بر این اساس می‌توان گفت اساسی‌ترین رکن در تنظیم روابط انسانی در جامعه اسلامی «کرامت انسانی» است.

نظم‌داری

شماره اول
پاییز و زمستان
۱۳۹۸

طبق آیه شریفه خداوند قوه و زمینه کرامت را برای عموم افراد بشر فراهم کرده و زمینه ارزش و کرامت را در انسان به وجود آورده است به این معنا که نیروها و استعدادها مثبتی به او عنایت فرموده که مجموعاً مقتضی به وجود آمدن حق کرامت برای انسان می‌باشد، نیروها و استعدادهایی که آدمی با به کار انداختن آنها و تلاش مخلصانه در مسیر حیات معقول به کرامت ارزشی عالی انسانی الهی نایل می‌شود که ملاک امتیاز تقوی است. یکی از این ظرفیتها که در وجود انسان جهت رسیدن به مدارج الهی وجود او نهاده شده است فطرت الهی و اخلاقی بشر و آموختن فجور و تقوی به او و اعطای دستگاه ادراکی ویژه به او است. انسان به دلیل موهبت عقل و قوه تعقل قادر به تجزیه و تحلیل و استنباط احکام کلی است و همین قوه منشاء افعال و فعالیت‌های اختیاری و اندیشه‌های او بوده، مبدا همه معارف و توانمندی‌های انسان می‌باشد و شخصیت و ارزش او در پرتو این قوه شکل می‌گیرد. در قرآن کریم گمراهی و ضلالت انسان معلول غفلت از نیروی تعقل و عدم استخدام این موهبت معرفی شده است. بهره نگرستن از قوه عقل موجب تنزل شدید انسان و قرار گرفتن او در رتبه بدترین جنبندها است (واعظی، ۱۳۸۸).

همچنین انسان به دلیل بهره مندی از مقام خلافت و امانتداری از منزلت ویژه برخوردار است. در آیه ۳ سوره بقره از انسان به عنوان خلیفه خدا نام برده شده است. خلافت در لغت به معنی پشت سر آمدن و جانشین شدن و از پی چیزی آمدن است این لغت خود به خود دارای بار ارزشی نیست و فضیلت یا رذیلت محسوب نمی‌شود اما در مورد انسان دارای بار ارزشی است. خلافت انسان از خداوند خلافت تکوینی می‌باشد. در مواردی که خلافت و جانشینی چیزی، مستلزم داشتن قابلیت‌ها، کمالات و فضائل فردی فراوان باشد و خلیفه شدن ملازم با دستیابی به کمالات و توانایی‌های خاصی باشد. این جانشینی اعتباری و قراردادی نیست، زیرا فقدان این فضیلت‌ها و کمالات، شرط واقعی جانشینی و خلافت را متفی می‌سازد. در این موارد علاوه بر آنکه خلافت و جانشینی معرف وجود کمال واقعی می‌باشد، نه حاکی از منصب اعتباری و اجتماعی ریشه در واقعیات و توانایی و کمالات فردی دارد و خلیفه شدن موجب امتیاز و برتری و منزلت خواهد بود، زیرا احراز این مقام در واقع به معنای دستیابی به کمالات و ویژگی‌های خاصی است که دیگران در این درجه از آنها محرومند. مقام خلافت تکوینی است نه اعتباری و قراردادی. خلیفه خدا کسی است که بیش از سایرین با خداوند سنخیت و ارتباط وجودی دارد و از آنجا که خداوند منبع کمالات و خیرات است و فعلش از هر شر و فساد می‌براست خلیفه او نیز باید در نمایاندن کمالات و خیرات حق تعالی کامل‌ترین مظهر و برترین مخلوقات باشد و فقط انسان از چنین جایگاهی برخوردار است. این عناوین اختصاص به انسان داشته و به سایر موجودات اختصاص نیافته است (واعظی، ۱۳۸۸).

۴.۴. حقوق انسانی مبتنی بر کرامت انسانی

هنگامی که بپذیریم انسان گوهری کریم و ارزشمند است، خواه نا خواه بر این باور خواهیم بود که نه تنها آزادی و امنیت و پیشرفت حق او هستند، بلکه باید به گونه تفسیر و تنظیم شوند که با کرامت وی سازگار باشند، در غیر این صورت میان تشریح و تکوین ناسازگاری برقرار می‌شود؛ در حالی که یکی از اسرار احکام اسلامی و کتاب خداوند انطباق کتاب تشریح با کتاب تکوین است (علی‌خانی، ۱۳۸۸)، لذا انسان به واسطه شرافت ذاتی حقوقی طبیعی و اعتباری مانند حق حیات، حق مالکیت و حق پیشرفت پیدا می‌کند که دیگر حیوانات از آن حقوق محرومند.

سوالی اینجا مطرح است که بین شرافت ذاتی انسان و حقوق او چه نسبتی وجود دارد به عبارت دیگر آن حیثیت اصلی که انسان به واسطه وجدان آن، دارای این حقوق گردیده است چیست؟ برای تبیین رابطه حقوق انسان با کرامت ذاتی می توان گفت که بین حقوق سیاسی و اجتماعی انسان و استحقاق آن رابطه وجود دارد. مثلاً علم یا آزادی برای انسان یک کمال است که استعداد انسانی آن را می طلبد و به همین دلیل استحقاق آن را دارد.

شهید مطهری معتقد است هر استعداد طبیعی دلیل یک حق طبیعی است وقتی در آفرینش به موجودی استعداد و لیاقت کاری داده شده است، این به منزله سند و مدرک است که وی حق دارد استعداد خود را به فضیلت برساند لذا منع کردن خلاف عدالت است چرا می گوئیم همه افراد بشر اعم از زن و مرد حق آموزش دارند و این حق را برای حیوانات قائل نیستیم برای این است که در انسان استعداد درس خواندن وجود دارد.

نظم‌وحلی

شماره اول
پاییز و زمستان
۱۳۹۸

معیار حقوق، انسانیت می باشد. انسانیت ما فوق انسان است. باید در انسان یک چیزی وجود داشته باشد که اسمش انسانیت است که در حیوانات وجود ندارد. اگر کسی قائل شد در انسان یک سری از حقایق وجود دارد ما فوق حیوانی آن وقت می تواند برای انسان شرافتی قائل شود که به موجب آن شرافت خون آن انسان محترم است، ولی حیوان محترم نیست. انسان، انسان است نه به این که بتواند حرف بزند، بلکه به این که در حالی که می تواند دروغ بگوید، راست بگوید. انسان، انسان است که با اختیار خودش پیمان ببندد و در حالی که برایش پیمان شکنی ممکن است، روی پیمانش وفادار بماند ولو به ضرر خودش باشد. اینها نشانه انسانیت است. این فضایل و این ویژگی های منحصر به فرد انسان که مناط شرافت ذاتی او و برتری او بر سایر موجودات بوده و منشاء پیدایش حقوق خاص انسان به شمار می روند، خود بر این اصل ایمان متکی هستند. با توجه به این مناط، آزادی و پیشرفت فی نفسه مقدس نیست، بلکه آزادی و پیشرفت برای تحقق ارزشهای انسانی و ایمانی مقدس است.

بر این اساس با فقدان و حرمان ارزش های انسانی و ایمان به خدا انسان شرافت خود را از دست می دهد و از آنجا که بنیاد حقوق انسان شرافت او دانسته شد، بی ایمانی و عدم اعتقاد به خداوند باعث سلب این حقوق خواهد شد. این است که قرآن وقتی می خواهد بگوید اینها

از هر جنبنده‌ای پست‌تر هستند مظاهر ضد انسانی آن را ذکر می‌کند و می‌گوید آن انسانی که اولیات انسانیت را که راست‌گویی، امانتداری وفای به عهد را نداشته باشد، او فقط یک حیوان است و بیش از یک حیوان احترام ندارد.

۵. ابعاد پیشرفت کرامت محور:

۵.۱. پیشرفت توحید محور: شاخص‌های این بعد از قرار ذیل است:

۱. پذیرش ولایت و حاکمیت خداوند و سرسپردن به قوانین الهی؛

۲. نفی طاغوت، مبارزه با فرهنگ استکبار، استعمارگری، استثمار و استحمار.

۵.۲. پیشرفت عدالت محور: اصل کرامت انسان به عنصر اساسی عمل متقابل (عدالت)

رسمیت می‌بخشد. از نظر علامه طباطبایی وضعیت طبیعی انسان به گونه‌ای است که او را به زندگی اجتماعی هدایت می‌کند و یک قرار داد اجتماعی در مقام عمل میان انسان برای تحقق اجتماع وجود دارد و آن قرارداد عدالت است که مبنای آن استخدام طرفینی است و لذا استخدام یک طرفه و سلطه و غلبه بر دیگران نقض این قراردادی که موجب اختلاف می‌باشد برای ایجاد عدالت تنها راه نظام‌مند ساختن روابط اجتماعی است، که با قانونگذاری مناسب و اجرای درست آن تحقق می‌یابد البته در مرحله قانون گذاری هماهنگی قانون با طبیعت و فطرت انسان و مقتضیات زندگی اجتماعی و تربیتی او لازم است که این از عهده انسان خارج است و نیازمند وحی است.

۵.۲.۱. شاخص‌های پیشرفت عدالت محور

۱) عدالت حقوقی و قضایی: پاس داشت قوانین قضایی و جزایی اجرای حدود و قصاص و دیات اسلامی از مهمترین حوزه‌هایی است که رعایت آن می‌تواند به تکریم انسان و پاسداشت کرامت او منجر شود. این امر مستلزم برابری در مقابل قانون و برخورداری از حقوق یکسان است. لذا اعمال عدالت حقوقی در جامعه به گونه‌ای که منجر به پاسداشت کرامت انسانی بشود، نیازمند اصولی است که عبارتند از اصل کرامت انسان در دادرسی، اصل برائت از جرم (احمدی، ۱۳۹۰).

۲. عدالت سیاسی: عدالت سیاسی از لوازم پیشرفت سیاسی کرامت محور است. مقصود

از عدالت سیاسی عزت است یعنی نه ظلم بکن و نه زیر بار ظلم برو، نه عزت دیگری را پایمال کن و نه خود ذلت را بپذیر (حسنی، ۱۳۹۰).

۵.۳. پیشرفت اخلاق محور:

یکی از مولفه های کرامت انسان آراستگی او به اخلاق و ارزش های اخلاقی است که فصل ممیز انسان از حیوانات است. در رأس ارزش های اخلاقی عدالت اخلاقی قرار دارد که جامع فضایل اخلاقی به شمار می آید قطعا باید در الگوی پیشرفت اسلامی به عنوان یکی از شاخص ها در تنظیم روابط بین شهروندان جامعه اسلامی در حوزه اجتماع و خانواده لحاظ شود. در الگوی پیشرفت اسلامی مشروعیت برخی از عبادات، معاملات، سیاسات، مبتنی بر رعایت عدالت اخلاقی است. اشتراط عدالت در نهاد امامت جامعه، جمعه، جماعت و در نهاد قضاوت، اشتراط عدالت در مسموع بودن شهادت بینه در محکمه، اشتراط انصاف به ملکه عدالت در مشروعیت تقلید از مرجع دینی و حتی رعایت مروت و انصاف با دشمن از نقاط قوت الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی است.

نظام اخلاقی

شماره اول
پاییز و زمستان
۱۳۹۸

عدالت اخلاقی چیست؟ از منظر عالمان اخلاق عدالت عبارت از موزون بودن، حد وسط بین افراط و تفریط است. در بین غرایز طبیعی هر کدام از قوای غضب، شهوت، تدبیر دارای مراتب افراط و تفریط می باشند. مرتبه اعتدال این غرائز شجاعت، عفت، و حکمت است که جامع آنها عدالت است. امام خمینی (ره) معتقد است عدالت حد وسط قوای سه گانه غضب شهوت و قوه مدبره است حد وسط قوه مدبره حکمت عملی است و عدالت از امهات فضایل اخلاقیه است (حسنی، ۱۳۹۰)، لذا شهروندان جامعه حق مطالبه حقوق مبتنی بر عدالت اخلاقی را دارند و حاکمان در قبال آن مسئول هستند.

۵.۳.۱. شاخص های توسعه اخلاقی:

۱. قداست خانواده عفت و حیا در حوزه خانواده؛
۲. قداست فرهنگ جهاد و شهادت و غیرت دینی؛
۳. شکوفایی عقل و خرد مبارزه با جهالت و سفاهت.

۵.۴. پیشرفت اجتماع محور

مقصود این است که شکوفایی استعداد های انسانی در سایه تعاون در قالب اجتماع و حیات جمعی او با حفظ مسؤولیت فردی او در ظرف جامعه ممکن است لذا وظایفی بر دوش او است که اهتمام به آنها مایه پیشرفت همراه با کرامت انسانی است.

۵.۴.۱. شاخص های توسعه اجتماع کرامت محور:

۱. استقرار مردم سالاری دینی: یعنی در رأس حکومت، شایسته‌ترین انسان روی زمین قرار دارد که در عین حال مرجع دینی نیز هست؛
۲. آزادی معنوی؛
۳. آزادی‌های حقوقی و سیاسی؛
۴. رابطه عاشقانه با حکومت.

۵.۵. توسعه مسؤولیت محور

دین مناسبات اجتماعی را در سطح ملی و بین‌المللی بر قاعده عدالت استوار می‌کند تا مبنای صلح و عدالت فقط با درک منزلت انسان و احساس تکلیف در برابر خدا و عقیده به معاد تضمین می‌گردد کسی که آدمیان را خلیفه خدا بیانگارد برای بشر حرمت ذاتی قایل خواهد شد. در نتیجه نه در حوزه بین‌المللی حقوق سایر ملل را تضییع می‌کند و نه در حوزه ملی به آحاد ملت خود اجحاف روا می‌دارد نه مومن را می‌رنجاند و نه کافر را می‌آزارد (رشاد صادقی، ۱۳۸۲).

۵.۵.۱. شاخص‌های توسعه مسؤولیت محور: اقامه امر به معروف و نهی از منکر و

نهادینه کردن آن قالب نهادهای مدنی در حوزه ملی.

۵.۶. توسعه امنیت محور

مؤلفه دیگر در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی برقراری امنیت است. امنیت همه ابعاد فیزیکی، روانی، مالی و عرض و آبرو را شامل می‌شود. امنیت در حوزه داخلی و خارجی و نظام بین‌الملل - نیز از جمله موارد آن است

۵.۶.۱. شاخصه های امنیت محور:

۱. امنیت و صلح بین‌المللی؛
۲. اقدامات حقوق بشری و مداخلات حقوق بشر دوستانه در حوزه بین‌المللی؛
۳. دفاع از حقوق بشر و تضمین نظری و عملی آن با توجه به آموزه های دینی.

جمع بندی و نتیجه‌گیری:

تدوین الگوی اسلامی، ایرانی پیشرفت و مهندسی آن با استعانت از عقل و وحی بایسته و شایسته است. زیرا این الگو پاسخ گوی نیازهای مشروع و معقول ساحت‌های مختلف وجودی انسان است. در الگوی کرامت محور با پذیرش تحول کمی و کیفی در معیشت، ثروت، قدرت و خرد به عنوان ابزار پیشرفت بوده هدف متعالی پیشرفت را کرامت انسان در سایه قرب باری تعالی می پذیرد و برای تنظیم روابط انسان با غیر او نقش آفرینی عقل و وحی را ضروری می‌شمارد. سرانجام برای سعادت و کرامت انسان پیشرفت عدالت محور، اخلاق محور، مسئولیت محور، امنیت محور را مطلوب و مشروع می‌باشد و شاخص‌های آن را در حوزه معرفت و معنویت با نهادینه کردن بندگی و خضوع در قبال اراده تکوینی و تشریحی باری تعالی در قالب احکام و قوانین الهی، اجتهاد مستمر در فقاقت و در حوزه فرهنگ با تکریم عقل و خردورزی و حکمت و تفسیر و تبیین صحیح زهد و دنیا و، و با نهادینه کردن مردم‌سالاری دینی، وعفت در کانون خانواده در حوزه سیاست و اجتماع عینیت می‌بخشد همچنین پیشرفت کرامت محور در حوزه تمدنی و بین‌المللی با توجه به عواطف انسانی، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه، صلح عادلانه در قالب نهادهای حقوقی و بین‌المللی و اصول و قواعد استکبار ستیزی، ظلم‌ستیزی قابل تحقق عینی است.

منابع

- احمدی، عیدمحمد (۱۳۹۰)؛ کرامت انسانی و مجازاتهای بدنی، قم، موسسه امام خمینی (ره).
- اختر شهر، علی (۱۳۸۶)؛ اسلام و توسعه قم انتشارات پژوهشگاه و فرهنگ اندیشه اسلامی.
- پور مهدی، براتعلی (۱۳۸۱)؛ لیبرالیسم، قم، ناشر بضعه الرسول (س).
- حسینی، ابو الحسن (۱۳۹۰)؛ حکمت سیاسی متعالیه، قم، ناشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- مرندی حمیدرضا (۱۳۸۸)؛ دومین همایش مردم سالاری دینی، قم، دفتر نشر معارف.
- رشاد صادقی، علی اکبر (۱۳۸۲)؛ دموکراسی قدسی، قم، موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- نمازی، محمود (۱۳۹۱)؛ مبانی فلسفی علوم انسانی، قم، ناشر موسسه امام خمینی (ره).
- واعظی، احمد (۱۳۸۸)؛ انسان از دیدگاه اسلام، تهران، سازمان سمت.
- یزدانی مقدم، احمدرضا (۱۳۹۱)؛ انسان شناسی و پیامدهای آن در اندیشه سیاسی هابز و علامه طباطبایی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.